



مقدمه

دکتر فاضل، مدیر مسئول و سردبیر نشریه رازی یک نفر دیده شده است، در صورتیکه اگر ایشان گوشه چشمی به صفحه عنوان نشریه می‌انداختند ملاحظه می‌کردند که از ابتدای انتشار نشریه رازی، مدیر مسئول نشریه آقای دکتر سید محمد صدر و سردبیر نشریه نیز بنده حقیر یعنی دکتر فریدون سیامک نژاد بوده و این نکته در تمامی شماره‌های نشریه از ابتدا تاکنون در صفحه عنوان نشریه رازی درج شده است. دیدگاه شرکت کنندگان در این گردهم‌آبی را با هم مرور می‌کنیم.

بی‌دری ۱۵۵ / ۸۳۶

همکارمان آقای دکتر محمود فاضل رئیس سازمان نظام پزشکی سبزوار، گزیده پیشنهاد سازمان نظام پزشکی این شهرستان را که در چهارمین گردهمایی رؤسای بیمه خدمات درمانی استان خراسان در سبزوار در تاریخ هشتم خرداد ماه سال ۸۱ قرائت شد را جهت درج در رازی برابمان ارسال کرده‌اند. این مطلب را به عنوان دیدگاه در نشریه منتشر کرده و چشم به راه اظهار نظر دیگر همکاران در این زمینه هستیم. ضمناً یادآوری می‌کنیم که در نامه آقای

۷۸ / رازی. سال سیزدهم. شماره ۱۱. آذر ۸۱

جامعه بشری در روند تکوین و تکامل خود و در عبور از مراحل تاریخی، حقوق بسیاری را برای انسان‌ها شناسایی کرده است. در عصر برده‌داری، بی‌گمان تفکر برابری انسان‌ها و حقوق مساوی برای همه (اعم از ارباب و برده) به کمتر مخیله‌ای راه پیدا می‌کرد و تا پایان دوران فئودالیسم و آغاز سرمایه‌داری، صحبت از حقوق زنان و بها دادن به تفکر آنان و برابر دانستن زنان و مردان، مخالفانی جدی داشت. حتی در تاریخ فلسفه و تفکر، فلاسفه‌ای همچون افلاطون و ارسطو، پیش شرط زندگی مرد آزاد را وجود برده می‌دانستند.

یکی بر ضرورت وجود آنان تکیه می‌کرد و دیگری اصلاً آنان را به حساب نمی‌آورد. وقتی صحبت از دموکراسی یونان باستان می‌شود، باید دانست که در این جوامع، زنان از نظر سیاسی و اجتماعی اصلاً به حساب نمی‌آمدند. حق رای و دموکراسی، از آن مردان آزاد بود نه بردگان یا زنان.

اولین زمزمه‌های حقوق بشر در عصر انقلابها، پس از فروریختن زندان باسیل در فرانسه آغاز گردید و کیلومترها آن طرفتر در قاره نوکه چند سالی از استقلال آمریکا می‌گذشت، زمزمه‌هایی از حقوق بشر، سرگرفته بود.

نسل اول حقوق بشر که از جمله در اعلامیه‌های آمریکایی حقوق بشر و اعلامیه استقلال ایالات متحده در ۱۷۷۶ و اعلامیه حقوق بشر انقلاب کبیر فرانسه مصوب ۱۷۸۹، به چشم می‌خورد، شامل آزادی‌هایی است که به موجب آن‌ها انسان قدرت انتخاب دارد و خود اراده می‌کند که کاری را انجام دهد یا ندهد. در این

زمینه، دخالت دولت هرچه محدودتر باشد، آزادی بیشتر محقق خواهد شد. مهم‌ترین این حقوق عبارتند از: امنیت، آزادی زندگی خصوصی و اقدام به آن، آزادی جسم و اختیار در مورد آن، آزادی رفت و آمد، آزادی عقیده، آزادی مذهب، آزادی آموزش و...

اما پس از به بار نشستن نسل اول حقوق بشر، نسل دوم حقوق بشر خود را نشان می‌دهد: حقوق مطالبه‌ای (les dreites de ereance) شناسایی و انجام این بخش از حقوق بشر را می‌توان تا حدودی به دولت سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی و دولت‌های رفاه در غرب نسبت داد. حقوق مطالبه‌ای به حقوقی اطلاق می‌شود که شامل عواملی است در جهت ایجاد امنیت مادی در جهان واقعی و ذهنی آحاد جامعه. اما چگونه؟

در اینجا با تغییر در نگرش نسبت به نسل اول حقوق بشر روبه‌رو هستیم. در آنجا هرچه قدرت دولت محدودتر می‌شود، آزادی بیشتر و بهتر محقق خواهد شد. در اینجا محدودیت بیش از حد دولت و عدم توانایی آن در کنترل تعاملات اجتماعی و ایجاد حداقل فضای معیشتی، خود عاملی برای سلب حقوق فردی و آزادی است (سوسیال دمکراتها به نقش دولتهای رفاه به شکل از ثروتمند بگیر و به فقیر بده می‌نگرند). دولتی که در تلاش برای محقق کردن حقوق مطالبه‌ای است، دولت رفاه نام می‌گیرد.

آنچه در نسل دوم حقوق بشر و عموماً توسط نظام‌های چپ به دنیا معرفی شد، حقوق مطالبه‌ای بود. شاید آنچه دولت مرکزی را در شوروی سابق ساقط نمود، عدم توانایی دولت در احقاق حقوق مطالبه‌ای مردم بود. حتی آنچه

که امروز دولتهای چپ را در اروپا ساقط می‌کند، عدم توانایی آنان در ادا نمودن وعده‌هایشان در ارتباط با تکامل و پیشرفت دولت رفاه می‌باشد. این تا حدودی موجب بهره‌برداری جناح راست در دنیا از اعتقاد مردم به دولت رفاه برای رسیدن به قدرت شده است.

باید به خاطر داشت که حقوق بشر نسل اول یعنی آزادی‌های انتخاب وظیفه دولتها و حقوق مطالبه‌ای نیز تکلیف آنهاست. عدول دولتها از هر یک از این دو گروه وظیفه‌ای، نقض حقوق بشر است. تأمین امنیت درمان و امنیت نیازهای بهداشتی در قالب حقوق مطالبه‌ای جای می‌گیرد که یکی از وظایف دولتهاست. اما بیمه و سازمانهای بیمه‌گر چه وظیفه و نقشی را ایفا می‌کنند؟

بیمه نوعی صنعت و فن است. تاریخچه صنعت بیمه نشان‌گر آن است که معادلات ریاضی خاصی برای این صنعت حکم می‌راند و کفه سود را سنگین‌تر از ضرر می‌سازد. در طی معامله و قرارداد بیمه، یک طرف با پرداخت بخشی از درآمد خود نیازهای دیگری را تأمین می‌کند و دیگری با این تعهد پیش می‌آید که در زمان مقتضی، حلال بخشی از مشکلات طرف دیگر باشد بیمه در طول سالیان متمادی فعالیت خود، به یک علم تخصصی تبدیل شده و می‌تواند با کنترل فنی پارامترهای خاص ضرر نکند.

صنعت بیمه در تأمین حقوق مطالبه‌ای به یاری دولتها می‌آید و دولتها با مطرح کردن بیمه‌ها خود را از شر مطالبات مردم خلاص می‌کنند. پس هر فرد با پرداخت حق بیمه از خدمات ارزان درمانی برخوردار می‌شود و البته حق بیمه خود را نیز پرداخت می‌کند. این یک

معامله کاملاً حقوقی و قانونی است اما نقش دولت چه می‌شود؟

اما دولت موظف است بدون توجه به پرداخت یا عدم پرداخت حق بیمه و بدون توجه به کار و نوع کار آحاد جامعه خدمات بهداشتی و درمانی را برای آنان تأمین کند. مگر نه آنکه همچنان که کار و جنبه‌های مثبت آن از سوی جامعه تفویض می‌شود، بیکاری و تبعات منفی آن نیز از سوی جامعه تحمیل می‌شود؟ اما چگونه؟ ببینید آنچه که به عنوان طرح در بخش اقتصادی از سوی دولتها اعمال می‌شود، همواره با ریسک همراه است و در این ریسک بیش از تمامی اقشار دیگر افراد آسیب‌پذیر در معرض خطرند و مشکلات افراد بدون تخصص یا کم تخصص را بیشتر خواهد آزد. به این سبب دولتها باید برای آماده‌سازی بستر جامعه برای آزمون‌های اقتصادی و انجام ریسک در برنامه‌های اقتصادی خود ابتدا حداقل امنیت اقتصادی را خصوصاً در بخش‌هایی همچون بهداشت و درمان و سلامتی فراهم سازند.

متأسفانه در بسیاری از کشورها بیمه فقط در شرایط کار اعطاء می‌شود و فراموش می‌شود که شخص بیکار از سوی جامعه و به نفع جامعه و بر اساس برنامه‌های کنترل و تدوین دولت بیکار شده است.

بنابراین آحاد یک ملت باید شرایط حداقل درمان را به‌طور رایگان در اختیار داشته باشند که این هیچگونه ربطی به بیمه بودن و نبودن و سر کار بودن یا بیکار بودن ندارد.

امروزه اکثر کشورهای جهان با نظام سرمایه داری و براساس بها دادن به بازار اداره می‌شوند. آنچه که بحران مشروعیت نام می‌گیرد

و ذات سرمایه داری گرایش به آن است. در این وضع افراد جامعه سعی در فرار مالیاتی دارند و نتیجتاً دولت‌هایی که اساس تأمین رفاه اجتماعی را کسب درآمد بر مبنای دریافت مالیات قرار داده‌اند، همواره با بحران مالی در این بخش روبرو هستند.

همچنان که افزایش روز افزون مالیات راه حل موفقی برای تأمین مخارج دولتهای رفاه نبوده است، روش سوسیال دمکراتها (از ثروتمند بگیر و به فقیر بده) نیز به دلیل عدم تعریف دقیق از ثروت با مشکلات جدی عملی روبروست تخصیص بخشی از درآمد کل به بیمه‌ها و کند کردن روند توسعه جهت ایجاد توانایی همراهی از سوی اقشار آسیب‌پذیر، خصوصی سازی صنعت بیمه و تحمیل بخشی از این هزینه‌ها به آن، راه حل‌هایی احتمالی است.

راه یافت راه سوم با تاکید بر اصلاح بازار کار بر رفاه فعال تکیه می‌کند یعنی: تأمین حقوق مطالبه‌ای تا سطح حداقل توسط دولت و برخورداری از سطوح بالاتر در صورت فعالیت بیشتر.

این‌گونه می‌توان بیمه‌ها را در دو گروه جای داد:

گروه اول: یک بیمه همگانی پایه برای همگان بدون توجه به پرداخت حق بیمه و بر اساس تخصیص بودجه از محل درآمد ملی و بستن مالیات رفاه بر درآمدهای کلان.

گروه دوم: بیمه‌های در سطوح بالاتر و با امکانات بیشتر که اقشار فعال را در بر گرفته و به پرداخت حق بیمه‌ها وابسته است.

بخشی از درآمد بیمه‌ها (صنعت بیمه) باید در گروه اول هزینه شود.

و البته کنترل سازمان‌های بیمه توسط دولت همواره بسیار لازم و ضروری است.

تأکید می‌ورزم که آنچه بیش از هر چیز هنر مردم داری دولتها را به خطر می‌افکند بالا بودن سطح نابرابری‌های اجتماعی است و بیمه می‌تواند با کاهش نابرابری‌های اجتماعی فضای عدالت و دموکراسی را محقق سازد. نابرابری‌های اجتماعی جامعه را به دو قسمت متن و حاشیه تبدیل می‌کند.

متن نشینان، گروهی برخوردار یا نسبتاً برخوردار و مرفه هستند و حاشیه نشینان فقط ناظر هستند.

عقده‌های درونی به درستی انباشته می‌شود و با جرقه‌ای سر بر می‌آورد و آن زمان هیچ متن نشینی را یارای جلوگیری از این هجوم نیست و خساراتی را باید تحمل کند (ای بسا جبران ناپذیر). لذا آن شعاع همیشگی «پیشگیری بهتر از درمان است» را بایستی سرلوحه قرار دهیم و بدانیم آن چیزی که امروز اهمیت دارد هم سطح‌سازی اقشار مختلف جامعه است. پس علیکم بالحواشی.

